



دانشگاه علامه طباطبایی  
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

عنوان:

**امر اخلاقی در ضرب المثل های فارسی**

استاد راهنما:

**دکتر نعمت الله فاضلی**

استاد مشاور:

**دکتر مرتضی فرهادی**

نگارنده:

**مرتضی اسدی**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه علامه طباطبایی  
دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی

عنوان:

امر اخلاقی در ضرب المثل های فارسی

استاد راهنما:

دکتر نعمت الله فاضلی

استاد مشاور:

دکتر مرتضی فرهادی

نگارنده:

مرتضی اسدی

به زنان و مردان بی نام و نشان میهنم که قصه و لالائی گفتند، شاهنامه خواندند و سرودکار  
سرودند تا فرهنگ ایران زمین را تداوم بخشند

## چکیده

ادبیات فولکلور دارای پیشینه و گستردگی بیشتری نسبت به ادبیات رسمی است، از اینرو ارتباط عمیق تر و گسترده تری با لایه های مختلف اجتماعی دارد. این گونه از ادبیات که شکل گیری آن در سنت شفاهی صورت می گیرد دارای گونه های چندی است که ضرب المثل یکی از آنهاست. این پژوهش با تمرکز بر روی ضرب المثل ها به عنوان نوعی گفتمان، به بررسی امر اخلاقی موجود در آنها می پردازد. در این پژوهش امر اخلاقی به عنوان برساخته ی اجتماعی معرفی شده است که شامل روابطی معطوف به قدرت است. قدرت در اینجا در قالب مفهوم فوکویی آن، به مثابه پدیده ای عام و غیر متمرکز که در شبکه های اجتماعی و در سطوح مختلف قرار دارد، در نظر گرفته شده است. استدلال کلی این پژوهش این است که آنچه که به عنوان امر اخلاقی که دارای خاصیت فرازمانی و فرامکانی هستند، در ضرب المثل ها مطرح شده و وجهی مطلق به خود گرفته اند، در یک فرایند معطوف به قدرت از امری تاریخی به امری ذاتی تغییر شکل داده اند. فرایندی که رولان بارت نام آنرا اسطوره سازی گذاشته و این پژوهش بر اساس این مفهوم نظری، مقولات اخلاقی استخراج شده از ضرب المثل ها را در قالب مفهوم اسطوره مورد تحلیل قرار داده است. پرسش اساسی این پژوهش این بود که با توجه به مقولات اخلاقی موجود در ضرب المثل ها، آیا دستگاه اخلاقی فارسی زبانان دارای همگونی است یا نظامی با عناصر متناقض است. که تحلیل های این پژوهش نشان می دهد که برخی از رویکردهای اخلاقی در این جامعه دارای دستگاه اخلاقی ناهمگونی می باشد. این پژوهش همچنین ارتباط اسطوره های اخلاقی را با زمینه اجتماعی به بحث گذاشته است. روش به کار رفته در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی، به همراه نمونه گیری نظری بوده است، که در مجموع 8 مقوله در 4 حوزه ی اخلاقی: قدرت سیاسی، فقر و ثروت، روابط جنسیتی و رابطه میان گروه های سنی، به دست آمد. در این میان دو حوزه ی اخلاقی اول دارای مقولات متناقض اخلاقی، و حوزه های اخلاقی سوم و چهارم فاقد چنین تناقضی می باشند.

**کلیدواژه:** فولکلور، ادبیات شفاهی، گفتمان، قدرت، اسطوره

## مقدمه

ادبیات فولکلور حرف و سخن مردم است. از این جهت که مردم عادی آنچه را که از مناسبات زندگی فردی و اجتماعی در ذهن می پرورند و تحلیل می کنند در قالب کلماتی ساده بر زبان می آورند. در مقابل متفکرین، فیلسوفان و دانشمندان که برای بیان تحلیل های پیچیده ی خود زبانی فنی و متکلف را به خدمت می گیرند تا مفاهیم مورد نظرشان را به مخاطب ارائه کنند، مردم، از آنجا که با آنچه که در ذهن دارند به طور روزمره زندگی می کنند، واژگانی را برای بیان ذهنیاتشان به خدمت می گیرند که مدام بر زبان جاری می کنند. از این جهت هیچگاه تا دهه های اخیر این گونه از ادبیات که در مقابل ادبیات رسمی، فاخر و متکلف قرار داشت توجه پژوهشگران را به خود معطوف نکرد. چرا که اساسا علم و فلسفه قرار بود کارهای مهمتری به انجام برسانند و از آنجا که در دایره ی تقسیمات امور، مسائل مربوط به مردم عادی از اهمیت کمتری نسبت به صاحبان دانش و قدرت دارای ناچیزترین اهمیت بود، پرداختن به آنها کاری بیهوده و غیر مهم تلقی می شد. این سنت تبعیض آمیز که رویکرد قالب پژوهش های علمی فلسفی را تشکیل می داد، با شروع شکل گیری علوم اجتماعی به طور اعم و جامعه شناسی به طور خاص، وارد این سنت علمی نوظهور گردید. چرا که جامعه شناسی نیز اگر چه قرار بود علم مطالعه جامعه انسانی به طور عام باشد، اما به دلیل بهره گیری از متدولوژی علمی، بر همان قواعد و چارچوب های سنتی پایدار ماند تا از انحراف از مسیر علمی بر حذر باشد. یکی از این ملزومات ساختاری هم تفکیک میان مسائل مهم و غیر مهم بود و در نتیجه مطالعه ی فرهنگ عامه که بر اساس ساختار قدرت در نازلترین درجه ی اهمیت قرار داشت هیچگاه نمی توانست در دستور کار علوم اجتماعی و به ویژه جامعه شناسی قرار گیرد. از اینرو بود که جامعه شناسی کار خود را با تمرکز بر ساختارهای کلان که در پیوند با ساختارهای بزرگ قدرت قرار داشت آغاز کرد. اما با شکل گیری مطالعات فرهنگی و چرخش های روش شناسانه در حوزه ی علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسی در نیمه ی دوم قرن بیستم، ادبیات عامه جای خود را میان مطالعات اجتماعی باز کرد. و این مهم از آنرو بود که فهم جدیدی از مفهوم فرهنگ به وجود آمد که بر اساس آن، سنت دیرینه ی تفکیک میان فرهنگ فاخر و فرهنگ عوام یا پست از میان برداشته شد. نتیجه ی چنین رویکردی اهمیت یافتن فرهنگ عامه بود که با پژوهش های متعددی که در حوزه ی ادبیات و هنر عامه انجام شد، جای خود را در میان سنت علوم اجتماعی تثبیت کرد. یکی از بخش های ادبیات عامه یا فرهنگ

مردم ادبیات فولکلور است که علی‌رغم نظر برخی از محققین مبنی بر اینکه مربوط به انسان پیشا مدرن است ، در دوره های مدرن نیز در قالبی تازه بازتولید می شود. اهمیت این نوع ادبی از این جهت است که بازنمایاننده ی اندیشه و اخلاق مردمی است که این ادبیات را می سازند و یا آنرا با زبان انتقال می دهند. بنابراین متنی بسیار مناسب برای بررسی اوبژه هایی همچون اخلاق جامعه می باشد. در پژوهش حاضر نیز ، با توجه به اهمیتی که این گونه ادبیات ، به ویژه ضرب المثل ، در مطالعه ی فهم عامه از جهان و جامعه دارد ، ضرب المثل های ایرانی به عنوان یک متن برای درک وضعیت اخلاقی جامعه ی فارسی زبانان مورد بررسی قرار گرفته است و در آن سعی شده تا توضیحی نسبت به این وضعیت اخلاقی داده شود.

## سپاسگزاری

شروع و ادامه ی این پژوهش در زمان نامناسبی برای من صورت گرفت.شرایطی که می توانست حتی مانع از به انجام رسیدن آن شود.اما نقطه های اتکا و انگیزه ای وجود داشت که موجب شد تا این موانع خللی در کار ایجاد نکنند.یکی از این نقطه های اتکا و انگیزشی جناب آقای دکتر فاضلی بودند که نخست به عنوان یک استاد مسئول ، سپس در کسوت استاد راهنما ، لطف ها و کمک های شایانی به من کردند.در این جا بر خود لازم می دانم از یاری های بی چشمداشتشان نهایت سپاسگزاری را بنمایم.

همچنین از جناب آقای دکتر فرهادی ، استاد گرانمایه و ارزشمند ، که در کلاس درسشان بهره های ناب برده ام ، قدردانی می کنم که زحمت مشاوره ی این پژوهش را عهده دار شدند.

از استاد فرهیخته و گرانمایه ، جناب آقای دکتر پیران نیز ، که زحمت داوری این پایان نامه را متقبل شدند ، و نکات ظریفی را متذکر شدند امتنان بسیار دارم.

اما یکی دیگر از نقطه های اتکا و انگیزشی ، همسرم ، مرضیه محمودی ، بود ، که در بخش هایی از کار پژوهش یاریگرم بود.در اینجا از او نیز به خاطر همه چیز سپاسگزارم.



## فهرست

### فصل اول - کلیات

2	مسئله.....
3	اهمیت و ضرورت موضوع.....
3	هدف و سوالات پژوهش.....
4	مروری بر مبانی نظری.....
14	مروری بر روش شناسی.....
18	کارهای انجام شده.....

### فصل دوم - مبانی نظری

36	فولکلور.....
41	ادبیات شفاهی.....
41	ویژگی های عام ادبیات شفاهی.....
48	ریشه ی لغوی ضرب المثل.....
50	شروط مثل.....
52	گونه شناسی ضرب المثل.....
54	رابطه ی ضرب المثل و فولکلور.....

58.....	جهان روایی ضرب المثل.....
58.....	روایت .....
60.....	روایت و زمان .....
62.....	ضرب المثل به مثابه گفتمان.....
63.....	گفتمان در آرای فوکو .....
68.....	گفتمان علوم انسانی .....
74.....	قدرت از نگاه فوکو.....
78.....	مفهوم اسطوره از نگاه بارت.....
82.....	جمع بندی .....
86.....	مدل نظری.....

## فصل سوم- روش شناسی

89.....	پارادایم ها.....
94.....	روش کیفی .....
97.....	تحلیل محتوای کیفی.....
100.....	فرایند تحلیل محتوای کیفی.....
104.....	نمونه گیری.....

## فصل چهارم-یافته های پژوهش

107	جداول مقولات و مفاهیم
112	جداول ضرب المثل ها
129	بررسی مفاهیم
143	توصیف مقولات
146	تبیین مقولات

## فصل پنجم - نتایج

155	نتیجه گیری
166	پیشنهادها
169	منابع فارسی
177	منابع انگلیسی

# فصل اول

مسئله

مرور ادبیات نظری

مرور روش شناسی

کارهای انجام شده

## 1- مسئله

این پژوهش با عنوان " امر اخلاقی در ضرب المثل های فارسی " بر آن است تا نشان دهد که امر اخلاقی در ضرب المثل ها به عنوان تجلی حکمت عامیانه و نیز بخشی از فرهنگ عامیانه که دارای وجوه تاریخی است ، دارای چه پیش فرض ها و چه وجوهی است. مسئله اخلاق و امر اخلاقی از جمله مسائلی است که تقریباً تمامی دستگاه های فلسفی و دینی را بر آن داشته تا بخشی از دغدغه های خود را به آن اختصاص دهند. از اینرو از طلوع بینش های دینی و فلسفی نظام مند تا امروز رویکردهای مختلفی در این حوزه شکل گرفته است که در تقسیم بندی های کلان می توان آنها را بر حسب تاریخ تحولات فکری، دسته بندی کرد. از جمله مثلاً می توان امر اخلاقی را بر حسب مبنای آن به اخلاق دینی و غیر دینی ، یا بر حسب دوره های تکامل ذهن به اخلاق سنتی ، مدرن و پست مدرن تقسیم کرد.

امر اخلاقی همچنین دارای وجوه متفاوتی همچون اخلاق اجتماعی و فلسفی و مذهبی می باشد که هر کدام تالی هایی را برای فرد در روابط شخصی و اجتماعی اش و نیز پیکره ی جامعه ، در بردارد. بنابراین برای توضیح اهمیت بررسی و شناخت امر اخلاقی در حوزه ی فرهنگ ، به ویژه فرهنگ عامه که مناسبات گستره ی زیادی از مردم جامعه را دربرمی گیرد ، نیازی به استدلال نیست. با این حال توجه به دغدغه متفکرین در این رابطه و نیز دستورالعمل های اخلاقی که در قالب باید و نباید هایی که از سوی مردم در بستر یک فرهنگ در پروسه تاریخی آن فرهنگ تولید و بازتولید می شود ، می تواند وجه پروبلماتیک آن را به خوبی مشخص سازد.

این پژوهش با توجه به وجه پروبلماتیک موضوع ، به ویژه اهمیت آن از منظر مطالعات فرهنگی که اساساً در زمینه ی ظهورش با نقد اخلاق مدرن کار را آغاز کرد ، ضرب المثل را که بخشی از ادبیات شفاهی است به مثابه متنی در نظر می گیرد که در بر گیرنده ی مواد اجتماعی و تاریخی مردم عامه ، از جمله امر اخلاقی است، و بر آن است تا موقعیت امر اخلاقی را در این متن مورد بررسی قرار دهد. از اینرو امر اخلاقی در این پژوهش به عنوان یکی از عناصر یک متن که اگر چه ذاتاً در قلمرو ادبیات شفاهی جای می گیرد اما با تبدیل شدنش به متن نوشتاری به مثابه ادبیات عامه نگریسته می شود، از منظر مطالعات فرهنگی مورد ارزیابی قرار می گیرد. به این معنا که امر اخلاقی به مثابه امری اجتماعی - تاریخی در نظر گرفته می شود که طی فرایند اسطوره سازی به امری مطلق تغییر شکل داده است. همین امر موجب می شود که رد پای

تاریخی در امور اخلاقی باقی بماند اما وجه اسطوره ای آن مانع از تشکیک در آن می گردد. بنا براین لازم است تا ابتدا موقعیت ضرب المثل های فارسی را که به عنوان حکمت عامیانه ی جامعه ی تاریخی ایرانیان ، به ویژه فارسی زبانان ، و بازنمایاننده ی ایده های زیستی مردم است ، به عنوان یک متن مشخص کنیم سپس عنصر اخلاقی درون آن را واکاوییم.

## 2- اهمیت و ضرورت موضوع

نظام های اخلاقی را باید نخستین تنظیم کننده های روابط و مناسبات اجتماع انسانی دانست. پیش از آنکه قواعدی به عنوان قانون مورد اجماع در یک اجتماع قرار گیرد ، دستورالعمل های اخلاقی که برآمده از بینش های دینی بود ، قاعده ای برای تنظیم مناسبات اجتماعی فراهم می کرد. این ویژگی موجب شد تا اولین فیلسوفان بخش عمده ای از تلاش های فکری خود را معطوف به ماهیت و منشا اخلاق کنند. تا جاییکه برخی از آنان همچون افلاطون ، به فیلسوف اخلاق شهره شدند. این اهمیت تنها مربوط به جوامع پیشامدرن نیست. فیلسوفان روشنگری و عصر مدرن نیز تاملات گسترده ای در این حوزه داشته اند. به عنوان نمونه کانت به عنوان پایه گذار فسه مدرن ، در نقد عقل عملی ، مباحث خود را معطوف به مسئله ی اخلاق می کند ، و در واقع تعیین عقل عملی را حوزه ی اخلاق معرفی می کند.

بنابراین شناخت مسئله ی اخلاق ، به عنوان بخشی از هستی شناسی انسان ها ، مقدمه ای ضروری برای شناخت و تحلیل جامعه انسانی و روابط و مناسبات موجود در یک فرهنگ به شمار می رود. از اینرو این پژوهش بر آنست تا به موجب چنین الزامی ، به بررسی مسئله اخلاق در جامعه ی فارسی زبانان بپردازد. و برای اینکار ضرب المثل ها ، که معمولا از آنها به عنوان حکمت عامیانه یاد می شود ، به عنوان بستری که در آن نظام اخلاقی در قالب دستورالعمل ها و باید و نباید ، در پوشش احکام خوب و بد ، تعیین می یابد ، انتخاب شده اند.

## 3- هدف و سوالات پژوهش

هدف این پژوهش همچنان که در بالا مورد اشاره قرار گرفت ، بررسی و شناخت موقعیت امر اخلاقی در ضرب المثل ها و واکاوی آنها به عنوان امری تاریخی که صورتی اسطوره ای به خود گرفته است. بنابراین باید ابتدا تناقضات احتمالی در رویکردهای اخلاقی مشخص گردد تا بتوان تاریخی بودن آنها نشان داد. از

اینرو یکی از اهداف این پژوهش واکاوی اسطوره ی اخلاق نیز می باشد که آنرا را در چنین رویکرد اخلاقی به انجام می رسانیم.

اما برای دست یابی به این هدف سوالاتی وجود دارد که ضمن پاسخگویی به آنها ، رسیدن به هدف پژوهش امکان پذیر خواهد شد.

#### سوال محوری:

- با توجه به تعریفی که در این پژوهش از وجوه امر اخلاقی ارائه خواهد شد ، آیا رویکردهای اخلاقی ایرانیان به وجوهی که مورد بررسی قرار می گیرد یکسان است یا متناقض؟

#### سوالات جانبی :

- اساسا چه مقولات اخلاقی در این ضرب المثل ها ، به عنوان حکمت عامیانه ، مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است؟

- چه ارتباطی میان رویکرد های اخلاقی موجود در ضرب المثل ها با زمینه ی اجتماعی آن می تواند وجود داشته باشد؟

#### 4- مروری بر مبانی نظری

همانطور که در طرح مسئله مورد اشاره قرار گرفت ما در این پژوهش با متنی سرو کار داریم که اساسا متعلق به قلمرو ادبیات شفاهی است ، اما هم به ضرورت پژوهشی ، هم به دلیل مکتوب شدن این گونه از ادبیات در موقعیت کنونی ، به آن به مثابه متنی نوشتاری نگاه می کنیم.از اینرو از منظر روش شناختی کاری که روی این متن صورت خواهد گرفت کاری است که با یک متن ادبی می توان انجام داد.از اینرو در ابتدا ناگزیر باید در مورد خود این متن مطالبی را عنوان کرد.اما بخش دیگر کار که مربوط به امر اخلاقی است ،

به اخلاق نه از منظر علم و فلسفه اخلاق ، بلکه از منظر مطالعات اجتماعی و مطالعات فرهنگی پرداخته می شود. از اینرو در اینجا اخلاق نه امری ذاتی و مطلق ، که امری تاریخی - اجتماعی است که به امری مطلق و طبیعی بدل گشته است. برای بررسی فرایند این دگردیسی به آرای بارت در خصوص فرایند اسطوره سازی رجوع خواهیم کرد. همچنین از آنجا که اساساً مناسبات اخلاقی مناسباتی معطوف به قدرت است ، بحثی را در خصوص مسئله ی قدرت و کنش های معطوف به آن صورت خواهیم داد که در اینجا ناگزیر به آرای فوکو و مفهومی که او از قدرت ارائه کرده ، و در اینجا مورد نظر ماست ، اشاره می کنیم.

### فرهنگ عامه (فولکلور)

- تعریف

فولکلور از دو کلمه لاتینی «فولک (Folk)» به معنای «توده مردم و عامه» و به طور کلی «عوام» - که در معنای غیر تخفیف آمیز آن ، در برابر «خواص» (نخبگان و فرهیختگان جامعه) قرار می گیرد و «لور (Lore)» به معنای «دانش ، ادب و مجموعه ای از معارف و دانستنی های غیر تخصصی» ، گرفته شده است (خرمشاهی ، 1387).

این اصطلاح ، عملاً در تمامی زبان های اروپایی پذیرفته شد ، اما معنای آن ، همواره دچار تغییر شده است . محققان ، ابتدا فولکلور را فقط شامل ادبیات توده ، مانند : قصه ها ، افسانه ها ، آوازاها ، ترانه ها ، مثل ها ، معماها و... می دانستند . کم کم سنت هایی که به طور شفاهی آموخته می شود و آنچه مردمان در زندگی خارج از دبستان فرا می گیرند نیز جزو آن گردید . چندی بعد ، اعتقادات ، اوهام و پیشگویی های راجع به وقت ، نجوم ، تاریخ طبیعی ، طب و آنچه دانش توده نامیده می شد را نیز به این علم افزودند . سپس آداب و سنن و رسومی که راجع به هر یک از مراحل زندگی بود ، مانند : تولد ، کودکی ، جوانی ، زناشویی ، پیری ، سوگواری ، جشن های ملی و مذهبی و نیز عاداتی که مربوط به زندگی عمومی می شود ، از جمله تمام پیشه ها و فنون توده را نیز جزو فولکلور به شمار آوردند؛ اما اگر بخواهیم فولکلور را در یک جمله کوتاه و کامل تعریف کنیم ، باید چنین بگوییم که : «فولکلور ، دانش آشنایی با پرورش غیر رسمی اکثریت است ( در مقابل پرورش نهادهای رسمی آموزش و تربیت) در میان یک ملت متمدن» ( هدایت ، 1384 ).

از آن جا که موضوع مطالعه فولکلور ، بررسی جنبه های مختلف زندگی عامه است ، بنا بر این می توان گفت فولکلور در جوامعی وجود دارد که افراد آن جامعه ، دارای دو نوع پرورش عوام (مردم کوچک و بازار)



و خواص (نخبگان) باشند؛ زیرا در جامعه ای که تمام اعضای آن را افراد تحصیل کرده و فرهیخته تشکیل داده باشند، فولکلور وجود نخواهد داشت و یا برعکس، در مورد جوامع بسیار بدوی و رشدنیافته - که حتی خواندن و نوشتن هم نمی دانند - نیز به کار بردن کلمه فولکلور، معنا نمی دهد؛ اما به عقیده بسیاری از فولکلورشناسان، چنین جوامعی هرگز وجود خارجی ندارند (هر چند که بعضی دیگر، قبایل وحشی استرالیا را نمونه ای از این گونه اجتماعات می دانند).

### ویژگی های فولکلور

با توجه به مطالبی که بیان شد، می توان ویژگی های زیر را برای فولکلور بر شمرد:

«- فولکلور، اعمال و رفتار جمعی و گروهی است که در بین عامه مردم، رایج است. بنا بر این، عمل و رفتار یک فرد یا یک خانواده را نمی توان فولکلور نامید.

- ابداع کننده و به وجود آورنده و نیز زمان شروع رفتارها و اعمال فولکلوری معلوم نیست.

- عادات فولکلور در مجموعه فعالیت های زندگی اجتماعی، نقشی به عهده دارند.

- اعمال و رفتارهای فولکلور به مناسبت و بنا بر مقتضیات زمان، تکرار می شوند؛ یعنی آنچه در یک یا چند مرتبه و یا فقط در دوره ای خاص و محدود اتفاق افتد، در شمار فولکلور نیست.

- فولکلور در جریان انتقال، موافق مقتضیات نسل ها، دگرگون می شود» (ابولقاسمی، 1383: 14).

رفتارهای فولکلوریک، از حاکمیت اندیشه ای خاص که بر خلاف میل توده باشد، پیروی نمی کنند، هر چند آن تفکر بر جامعه، حکومت داشته باشد.

شایان ذکر است که آداب و رسوم و رفتارهای فولکلور هر منطقه، برای مردم همان منطقه، «سنت» و برای مردم سایر نقاط، به عنوان «فولکلور» خاص آن منطقه شناخته می شود.

## فرهنگ عامّه ، میراث غیر مادی ملت ها

همان طور که گفته شد ، یکی از ویژگی های فولکلور ، تکرارپذیری و قابلیت انتقال آن به نسل های آینده است . از این رو می توان فولکلور هر منطقه را مجموعه ای از رفتارها ، گفتارها ، پوشش ها ، آداب و رسوم و عاداتی دانست که افراد آن منطقه ، آنها را از گذشتگان و نیاکان خود به ارث برده اند ؛ عاداتی که شاید از ابتدای بشریت آغاز شده و یا لااقل ، مربوط به دوره های بسیار باستانی باشند . به عبارت کلی تر می توان فولکلور را میراث قومی و معنوی یک ملت دانست .

بنا بر این ، بر خلاف تصوّر بسیاری که فکر می کنند فولکلور ، تنها مربوط به گذشتگان و جنبه های مختلف زندگی آنهاست ، باید گفت که هر چند فولکلور (یا همان دانش عامیانه) ، میراث پیشینیان است ، اما در حال حاضر و در جوامع امروزی نیز وجود دارد و هنوز هم زنده ، پویا ، جذاب و باصلابت ، بر پای ایستاده است و مردم ، در حال حاضر نیز با مجموعه دانسته هایی که از گذشته های دور و از نسل های گذشته به جا مانده و سینه به سینه ، جا عوض کرده و به آنها رسیده است ، زندگی می کنند و در حقیقت ، همین فولکلور است که تا حدّ زیادی به زندگی آنها معنا و مفهوم می بخشد و آنها را به ادامه زندگی ، دلگرم می سازد . در واقع ، اگر فولکلور یک ملت را از آن بگیریم ، تمام هویت آن ملت را گرفته ایم که بدون آن ، زندگی ، غیر ممکن خواهد بود .

هر چند که فولکلور حاکم بر زندگی امروز ، با فولکلوری که پیشینیان ما با آن زندگی می کرده اند ، متفاوت است ، اما به هر حال ، بخشی از میراث گذشتگان است که بنا به مقتضیات زمان و شرایط امروز ، تغییراتی در آن به وجود آمده است و به شکل قابل استفاده برای زندگی امروز ، تبدیل گردیده است . حتی این احتمال وجود دارد که یک رفتار فولکلوریک در یک دوره زمانی و بنا بر شرایط حاکم فراموش شود ، اما در دوره های بعد و با تغییر شرایط ، دوباره فعال گردد و حتی شاید پر رنگ تر از قبل ، در جامعه جدید ظاهر گردد .

وجود پیشینه کهن و درخشان تاریخی ، زندگی اقوام و طوایف مختلف در کنار هم و شرایط متغیّر آب و هوایی ، باعث شده است که کشور ما دارای گنجینه بسیار غنی و سرشار از آداب و رسوم ، لهجه ها ، پوشش ها ، قصه ها ، افسانه ها ، خرافات ، بازی ها و ... باشد و به همین دلیل ، دامنه فولکلور در ایران ، بسیار وسیع و متنوع است .

## کارکردهای فرهنگ عامه در اجتماع

فولکلورشناسان ، کارکردهای بسیاری را برای فرهنگ عامه ذکر کرده اند که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره نمود :

### 1. ایجاد همبستگی قومی و نژادی و نزدیک نمودن قومیت ها و ملیت ها به یکدیگر

اگر چه فولکلور از یک سو باعث تمایز اقوام و ملیت ها از یکدیگر می شود ، اما از سوی دیگر ، اگر با دقت در فولکلور طوایف و اقوامی که در یک منطقه یا یک کشور زندگی می کنند ، مطالعه شود ، مشاهده خواهد شد که درصد زیادی از زیرساخت های فولکلوریک آنها دارای ریشه مشترک است . برای مثال : همانندی لهجه ، پوشش ، سرودها و موسیقی های محلی و آداب و رسوم حاکم بر زندگی اقوام مختلف ، عاملی است برای ایجاد پیوند دوستی و نیز جلوگیری از ایجاد دشمنی و جنگ بین آنها .

در سطح وسیع تر می توان گفت از جهاتی تمام ملل جهان ، دارای ریشه های فرهنگی و عادات فولکلوریک مشترک اند؛ چرا که در گذشته های بسیار دور ، همگی از یک نژاد و تمدن بوده اند و به مرور زمان ، تقسیم شده اند و به صورت اقوام و ملیت های گوناگونی که امروز شاهد آن هستیم ، در زمین ، پراکنده شده اند . برای مثال ، قصه «ماه پیشانی» ایرانی را می توان با اندکی تغییر ، نزد فرانسوی ها ، آلمانی ها و ایرلندی ها نیز یافت و از حیث موضوع ، به قصه نروژی نزدیک تر است . همین اشتراک در زیرساخت ها و اصول فرهنگ عامه می تواند زمینه ساز گفتگوی تمدن ها باشد و جهان را به سوی دنیایی به دور از جنگ و نزاع و خونریزی راهنمایی کند .

### 2. فرهنگ عامه هر ملتی ، در حقیقت ، حافظه تاریخی سیاسی و اجتماعی آن ملت است

همان طور که گفته شد ، فولکلور ، شامل تمامی اعمال و رفتار و گفتار و جنبه های مختلف زندگی بشری است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود . بنا بر این ، با شناخت فولکلور یک قوم می توان به تمام این منابع ، دسترسی پیدا کرد و از این طریق به راحتی می توان به شرایط زندگی سیاسی و اجتماعی مردم آن قوم پی برد . برای مثال : اگر یک تعداد مثل و افسانه ، اسطوره ، ترانه و لالایی را تحلیل جامعه شناختی کنیم ، متوجه می شویم که در درون آنها حرف هایی است که در شرایط خفقان حاکمیت آن زمان نمی توانسته اند به زبان بیاورند ، به طوری که ترانه ها و لالایی های ما ، حرف های سیاسی است و لالایی های

روستایی ما ترانه هایی است علیه اربابان و خوان های مناطق و یا امروزه اگر به دقت به مضامین جُک ها و لطیفه های مردم پرداخته شود ، عمیق ترین مسائل سیاسی و اجتماعی را می توان در آنها یافت که نمی توان آنها را در یک سند غیر عامیانه ، یک مقاله علمی و یا یک شعر پیدا نمود . از این رو می توان فرهنگ عامه را روح اجتماعی یک ملت دانست .

3. فرهنگ عامه را می توان خاستگاه و شالوده الهامات بشری در زمینه ادبیات و هنر به حساب آورد

این سرچشمه افکار توده که نسل های پیاپی ، همه اندیشه های گران بها و عواطف و نتایج فکر و ذوق و آزمایش خود را در آن ریخته اند ، گنجینه زوال ناپذیری است که آبخور بزرگ ترین و ماندگارترین آثار هنری جهان است . همچنان که ادبیات فاخر ما همچون آثار حافظ و سعدی سرشار از تمثیلات و کنایه های فولکلوریک هستند و در آلمان نیز موسیقی کلاسیک در دوره ی رومانتیسم و گسترش روحیات ناسیونالیستی با بهره گیری از موسیقی فولکلور توانست خود را به ظهور برساند.

4. فرهنگ عامه را می توان نوعی رابط فرهنگی بین نسل های مختلف به حساب آورد

در حقیقت می توان گفت که فرهنگ عامه برای نسل های مختلف ، نقش یک مدرسه را بازی می کند . خصوصا در گذشته ، به دلیل عدم وجود رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی به شکل امروزی ، این نقش فولکلور ، مهم ترین کارکرد آن به شمار می آمده است و در اشکال مختلفی همچون : دور هم نشستن های شبانه و گوش سپردن به قصه های پدربزرگ ها و مادربزرگ ها ، پرده خوانی ها ، نقالی ها و... ظهور می یافته است . (یازرلو، 1381)

### فرهنگ فولکلور به مثابه یک متن

اگر به تعاریفی که تا کنون از فولکلور به دست آمده رجوع شود ، مشاهده می گردد که بسیاری ، فولکلور را همان «ادبیات عامه» تعریف نموده اند ، در حالی که این دو ، مقوله هایی جدا از یکدیگرند .

اگر ما مجموعه دانسته ها و اندوخته های ذهنی و فکری ، رفتارها و آداب و رسوم عوام را به عنوان فولکلور تعریف کنیم ، هنگامی که این دانسته ها و داشته های ذهنی و فکری بر روی کاغذ بیایند و مکتوب شوند ، در حیطه قلمرو ادبیات عامه قرار می گیرند .